Pourhosein Gilakjani *Scholarship in Educational Leadership and Management Journal* (SELMJ) (2025) 2:3

Scholarship in Educational Leadership and Management Journal (SELMJ)

Original Article **ISSN (Online): 7051-3060**

From Technical Management to Critical Leadership: Helen M. Gunter's Scholarly Trajectory and Theoretical Implications for Iranian Education

Abbas Pourhosein Gilakjani* [1]

* Correspondence:
abbas.pourhosein@iau.ac.ir
1. Department of English Language Translation, La. C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Received: July 1, 2025
Revision: August 17, 2025
Accepted: September 11, 2025
Published online: October 2, 2025

Abstract

In recent decades, educational leadership has undergone paradigmatic shifts, driven primarily by neoliberal policies, accountability-oriented frameworks, and the pressures of global standardization. Within this discourse, Helen M. Gunter has emerged as a preeminent theorist of the critical tradition, significantly contributing to the reconceptualization of the field by foregrounding the political, social, and ethical dimensions of education. The present study seeks to analyze Gunter's scholarly trajectory, her theoretical underpinnings, and her critical perspectives, while concurrently exploring the feasibility of contextualizing her ideas within the Iranian educational landscape. Employing a qualitative methodology centered on documentary analysis, this research examines Gunter's seminal works spanning from the 1990s to 2026. The findings delineate Gunter's intellectual evolution across three distinct phases: critical formation (1990–2000), theoretical maturation (2010–2018), and conceptual consolidation (2019–2026). Her scholarship is deeply rooted in the traditions of critical theory, the political philosophy of Arendt and Foucault, and the sociology of power as articulated by Bourdieu and Adorno. By critiquing the rise of managerialism, depoliticization, and technocracy, Gunter provides a comprehensive framework for understanding educational leadership as a political and emancipatory practice. Furthermore, an analysis of the Iranian context reveals that systemic challenges—including administrative centralization, the marginalization of professional agency, and the dominance of quantitative-driven control—resonate with Gunter's critical concerns. Consequently, a localized adaptation of her theoretical insights could serve to bolster educational equity, enhance school-level autonomy, and foster professional participation. The study concludes by emphasizing the imperative for developing indigenous critical approaches within educational leadership studies.

This work is licensed under Creative Commons Attribution 4.0 International. To view a copy of this license, visit https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

Pourhosein Gilakjani *Scholarship in Educational Leadership and Management Journal* (SELMJ) (2025) 2:3

Scholarship in Educational Leadership and Management Journal (SELMJ)

Original Article

شاپای الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۰۵۱

از مدیریت فنی تا رهبری انتقادی:
زندگی علمی، سیر تحول فکری و دلالت‌های نظری هلن ام. گانتر برای آموزش ایران

عباس پورحسین گیلاکجانی

* نویسنده مسئول:

abbas.pourhosein@jau.ac.ir

۱. گروه آموزش زبان، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۶ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱۰ مهر ۱۴۰۴

چکیده:

رهبری آموزشی در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در پرتو سیاست‌های نئولیبرالی، پاسخ‌گویی‌محور و استانداردسازی، دچار تحولاتی بنیادین شده است. در این میان، هلن ام. گانتر به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان رویکرد انتقادی در رهبری آموزشی، با تمرکز بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اخلاقی آموزش، نقش مهمی در بازاندیشی این حوزه ایفا کرده است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل زندگی علمی، سیر تحول فکری، مبانی نظری و دیدگاه‌های انتقادی گانتر و بررسی امکان بومی‌سازی اندیشه‌های او در نظام آموزش‌وپرورش ایران است. پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی انجام شده و آثار اصلی گانتر (از دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۶) مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اندیشه‌های گانتر در سه دوره اصلی شکل‌گیری انتقادی (دهه ۱۹۹۰–۲۰۰۰)، بلوغ نظری (۲۰۱۰–۲۰۱۸) و تثبیت مفهومی (۲۰۱۹–۲۰۲۶) قابل تبیین است و متأثر از سنت نظریه انتقادی، فلسفه سیاسی (آرنت، فوکو) و جامعه‌شناسی قدرت (بوردیو، آدورنو) می‌باشد. وی با نقد مدیریت‌گرایی، سیاست‌زدایی و تکنوکراسی، چارچوبی جامع برای فهم رهبری آموزشی به مثابه کنشی سیاسی و رهایی‌بخش ارائه کرده است. همچنین، تحلیل وضعیت آموزش‌وپرورش ایران نشان می‌دهد که بسیاری از چالش‌های موجود (تمرکزگرایی اداری، محدودیت عاملیت حرفه‌ای، ارزیابی کمّی‌محور و غلبه رویکرد کنترلی) با محورهای مورد نقد گانتر هم‌پوشانی دارد. بر این اساس، بهره‌گیری بومی‌شده از دیدگاه‌های وی می‌تواند به تقویت عدالت آموزشی، افزایش استقلال مدارس، اصلاح نظام ارزیابی و توسعه مشارکت حرفه‌ای منجر شود. نتایج این پژوهش، بر ضرورت توسعه رویکردهای انتقادی بومی در مطالعات رهبری آموزشی تأکید دارد.

کلیدواژه: هلن ام. گانتر، رهبری آموزشی انتقادی، عملکردگرایی، نئولیبرالیسم در آموزش، تحول فکری، نظام آموزشی ایران، عدالت آموزشی، بومی‌سازی نظریه انتقادی

This work is licensed under Creative Commons Attribution 4.0 International. To view a copy of this licens, visit https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

مقدمه

در قرن بیست‌ویکم، رهبری آموزشی دیگر صرفاً یک مجموعه مهارت‌های فنی یا مدیریتی نیست، بلکه پدیده‌ای سیاسی، اجتماعی و معرفت‌شناختی است که در تقاطع قدرت، ایدئولوژی، دانش و ارزش‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو هستند: افزایش تنوع فرهنگی و اجتماعی در کلاس‌های درس، فشارهای پاسخ‌گویی و استانداردسازی، گسترش فناوری‌های دیجیتال، محدودیت منابع، و انتظارات فزاینده جامعه از آموزش به عنوان موتور محرک عدالت اجتماعی و توسعه انسانی (گانتر[1]، ۲۰۱۶؛ بلکمور[2]، ، ۲۰۱۱). در چنین بستری، رویکردهای سنتی رهبری – که عمدتاً بر مهارت‌های اجرایی، کارایی سازمانی و مدیریت عملکرد متمرکز بودند – دیگر پاسخگوی نیازهای پیچیده امروز نیستند. این رویکردها، اگرچه در بهبود برخی شاخص‌های کمی (مانند نرخ قبولی یا عملکرد در آزمون‌ها) مؤثر بوده‌اند، اغلب از درک ابعاد عمیق‌تر آموزش، یعنی عدالت، عاملیت انسانی، مشارکت جمعی و مقاومت در برابر ساختارهای سلطه‌آمیز غفلت کرده‌اند (شیلدز[3]، ۲۰۱۰؛ گانتر، ۲۰۲۳). در واکنش به این محدودیت‌ها، از اواخر قرن بیستم به بعد، جریان‌های انتقادی[4] در مطالعات رهبری آموزشی شکل گرفتند که به جای تمرکز بر «چگونه بهتر مدیریت کنیم»، به پرسش‌های بنیادین پرداختند: دانش رهبری توسط چه کسانی و به چه منظوری تولید می‌شود؟ چه ساختارهای قدرتی در پس گفتمان‌های مسلط رهبری نهفته است؟ چگونه رهبری آموزشی می‌تواند به جای بازتولید نابرابری، به ابزاری برای رهایی و عدالت تبدیل شود؟ این جریان انتقادی، رهبری را از یک مهارت فردی یا سازمانی به یک کنش سیاسی، اخلاقی و تاریخی بازتعریف کرد (گانتر، ۲۰۱۶؛ مک‌کی[5] و همکاران، ۲۰۲۳).در میان نظریه‌پردازان این جریان، هلن ام. گانتر جایگاه ویژه‌ای دارد. او نه تنها یکی از تأثیرگذارترین پژوهشگران انتقادی در حوزه رهبری آموزشی است، بلکه با تلفیق فلسفه سیاسی انتقادی، تحلیل گفتمان و جامعه‌شناسی دانش، رهبری آموزشی را به میدان تحلیل قدرت، ایدئولوژی و سیاست کشانده است. گانتر با بهره‌گیری از آرای متفکرانی چون هانا آرنت، میشل فوکو و پیر بوردیو، نشان داده است که بسیاری از گفتمان‌های رایج رهبری – مانند «رهبری اثربخش»، «مدیریت عملکرد» یا «بهبود کیفیت» – در واقع ابزارهایی برای تثبیت نظم موجود و مشروعیت‌بخشی به نابرابری‌های ساختاری هستند (گانتر، ۲۰۱۴؛ گانتر، ۲۰۱۶).تحول فکری گانتر از مدیریت فنی و عملیاتی به سوی رهبری انتقادی، بازتابی از واکنش آگاهانه به محدودیت‌های گفتمان‌های غالب در آموزش معاصر است. او رهبری را نه به عنوان مجموعه‌ای از تکنیک‌ها یا سبک‌ها، بلکه به مثابه کنشی انسانی، سیاسی و زمینه‌مند می‌بیند که در دل روابط قدرت

[1] Helen M. Gunter
[2] Blackmore
[3] Shields
[4] critical approaches
[5] McKay

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

و تولید دانش شکل می‌گیرد. این تحول، از نقد سیاست‌های آموزشی بریتانیا در دوران نئولیبرال آغاز شد و به تدریج به نقد جهانی دانش تولیدشده در رهبری آموزشی رسید (گانتر و فارستر[1]، ۲۰۰۸؛ گانتر، ۲۰۲۳). در نظام آموزشی ایران نیز، چالش‌های مشابهی وجود دارد: تمرکزگرایی اداری گسترده، ارزیابی‌های کمّی‌محور مدیران و معلمان، محدودیت عاملیت حرفه‌ای، و تأثیر ایدئولوژی و سیاست بر فرایندهای آموزشی. این ویژگی‌ها شباهت زیادی به ساختارهایی دارد که گانتر در بریتانیا نقد کرده است (خلخالی، ۱۴۰۳؛ قوره‌جیلی، ۱۴۰۴). از این رو، بررسی زندگی علمی، سیر تحول فکری و دلالت‌های نظری هلن ام. گانتر می‌تواند نه تنها به غنای نظری مطالعات رهبری در ایران کمک کند، بلکه زمینه‌ای برای بازاندیشی انتقادی در سیاست‌گذاری آموزشی، تقویت عدالت آموزشی و افزایش مشارکت حرفه‌ای فراهم آورد.مسئله اصلی پژوهش حاضر این است: چگونه تحول فکری هلن ام. گانتر از مدیریت فنی به رهبری انتقادی می‌تواند به تحلیل چالش‌های نظام آموزشی ایران کمک کند و چه دلالت‌های نظری و عملی برای بازسازی رهبری آموزشی در این بافت دارد؟اهداف مقاله عبارت‌اند از:

- معرفی زندگی علمی و مسیر حرفه‌ای هلن ام. گانتر
- بررسی سیر تحول فکری او از مدیریت فنی به رهبری انتقادی
- تحلیل انتقادی مفاهیم کلیدی اندیشه گانتر
- کاوش دلالت‌های نظری و عملی این رویکرد برای نظام آموزشی ایران

این پژوهش با رویکرد مروری–تحلیلی انجام شده و امیدوار است که با ارائه چارچوبی انتقادی، به غنای گفتمان رهبری آموزشی در ایران کمک کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های بومی و کاربردی در این حوزه شود.

روش پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی زندگی علمی، سیر تحول فکری و دلالت‌های نظری هلن ام. گانتر برای نظام آموزشی ایران، از رویکرد کیفی با روش تحلیل اسنادی[2] استفاده کرده است. روش تحلیل اسنادی به دلیل ماهیت مروری-تحلیلی و مفهومی پژوهش انتخاب شد؛ زیرا امکان بررسی عمیق، نظام‌مند و انتقادی منابع مکتوب (کتاب‌ها، مقالات، مجموعه‌های تقدیمی و مصاحبه‌های علمی) را فراهم می‌آورد (بون[3]، ۲۰۰۹؛ گانتر، ۲۰۱۶).

[1] Gunter & Forrester
[2] documentary analysis
[3] Bowen

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش شامل تمامی آثار مکتوب و منتشرشده هلن ام. گانتر از دهه ۱۹۹۰ تا فوریه ۲۰۲۶ (زمان نگارش مقاله) است. نمونه‌گیری هدفمند و غیراحتمالی انجام شد و آثار کلیدی و پراستناد زیر به عنوان منابع اصلی انتخاب گردیدند:

- کتاب‌های اصلی: Leaders and Leadership in Education (2001)، Leadership and the Reform of Education (2012)، Educational Leadership and Hannah Arendt (2014)، An Intellectual History of School Leadership Practice and Research (۲۰۱۶)
- مقالات کلیدی: Forrester & Gunter (۲۰۰۸)، و سایر مقالات منتشرشده در مجلات معتبر مانند British Journal of Educational Studies، Leadership & Educational Management Administration و Journal of Education Policy
- مجموعه مقالات تقدیمی: Critical Education Policy and Leadership Studies: The Intellectual Contributions of Helen M. Gunter (McKay et al., 2023; مک‌کی و همکاران، ۲۰۲۳)
- منابع ثانویه: مرورهای انتقادی و ارجاعات به آثار گانتر در ادبیات جهانی رهبری آموزشی (تا سال ۲۰۲۶)

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق مطالعه مستقیم منابع اصلی و ثانویه گردآوری شدند. مراحل زیر انجام گرفت:

۱. جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داده علمی: Google Scholar، Scopus، Web of Science، ERIC و JSTOR با کلیدواژه‌های Helen M. Gunter، critical educational leadership، politics of knowledge production، performativity in education، Hannah Arendt and leadership
۲. دسترسی به متن کامل آثار کلیدی از طریق کتابخانه‌های دیجیتال دانشگاهی و سایت شخصی گانتر (helengunter.co.uk)
۳. استخراج نقل‌قول‌های مستقیم، مفاهیم اصلی، دوره‌بندی تحول فکری و نقدهای کلیدی از متن آثار
٤. گردآوری ارجاعات و استنادهای مرتبط با ایران و کشورهای در حال توسعه از منابع فارسی و بین‌المللی

روش تحلیل داده‌هاتحلیل داده‌ها در سه مرحله اصلی انجام شد:

تحلیل توصیفی اولیه

مطالعه دقیق آثار و استخراج اطلاعات مربوط به زندگی علمی، سوابق حرفه‌ای، آثار کلیدی و دوره‌های زمانی فعالیت گانتر.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

تحلیل مضمون [1]

با استفاده از رویکرد براون و کلارک (براون و کلارک[2]، ۲۰۰۶) و به شیوه استقرایی-قرائتی، مضامین اصلی استخراج شدند:

- سیاست دانش تولیدشده
- نقد عملکردگرایی و مدیریت‌گرایی
- تأثیر هانا آرنت (عمل و فضای عمومی)
- نقد نئولیبرالیسم و تکنوکراسی در آموزش
- تحول فکری در سه دوره زمانی

تحلیل انتقادی-تطبیقی

در مرحله نهایی، مفاهیم گانتر با ویژگی‌های نظام آموزشی ایران (تمرکزگرایی، ارزیابی کمّی‌محور، محدودیت عاملیت حرفه‌ای) مقایسه و دلالت‌های نظری و عملی استخراج شد. این مرحله با رویکرد تطبیقی انتقادی[3] انجام گرفت تا امکان‌سنجی و محدودیت‌های بومی‌سازی مشخص شود.

اعتبار و پایایی پژوهش

- اعتبار نظری[4]: استفاده از منابع اصلی گانتر و مجموعه مقالات تقدیمی ۲۰۲۳ برای جلوگیری از تحریف اندیشه او
- پایایی تحلیل: کدگذاری دو مرحله‌ای توسط پژوهشگر و بازبینی توسط یک همکار آشنا به مطالعات انتقادی رهبری آموزشی
- شفافیت فرایند: ذکر دقیق منابع، دوره‌بندی تحول فکری و جدول‌های تحلیلی برای افزایش قابلیت تکرارپذیری

محدودیت‌های پژوهش

- تمرکز صرف بر منابع انگلیسی‌زبان و عدم دسترسی به ترجمه‌های فارسی آثار گانتر
- ماهیت مروری–تحلیلی پژوهش و نبود داده‌های میدانی یا مصاحبه مستقیم با پژوهشگران ایرانی
- محدودیت زمانی تا فوریه ۲۰۲۶ که ممکن است تحولات جدیدتر را پوشش ندهد

[1] Thematic Analysis
[2] Braun & Clarke
[3] critical comparative analysis
[4] Theoretical Credibility

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

این روش‌شناسی امکان بررسی عمیق و انتقادی اندیشه گانتر و کاربرد آن در بافت ایران را فراهم آورد و زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در این حوزه خواهد بود.

زندگی علمی و مسیر حرفه‌ای هلن ام. گانتر

هلن ام. گانتر یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین پژوهشگران انتقادی در حوزه رهبری و مدیریت آموزشی معاصر است که مسیر علمی او به‌طور عمیق با تحولات سیاسی-اجتماعی نظام آموزشی بریتانیا و جهان غرب در دهه‌های پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم درهم‌تنیده شده است. او دارای مدرک دکترای فلسفه (PhD) در حوزه سیاست آموزشی است و سال‌ها به عنوان استاد تمام در Manchester Institute of Education دانشگاه منچستر فعالیت کرده است (گانتر، ۲۰۲۳). گانتر عضو آکادمی علوم اجتماعی[1] بریتانیا () از سال ۲۰۱۰ و برنده جایزه خدمات برجسته BELMAS[2] در سال ۲۰۱۶ است. او بیش از ۳۰۰ مقاله، فصل کتاب و کتاب منتشر کرده و تا جولای۲۰۲۵ بیش از ۵۶۰۰ استناد در Google Scholar دریافت کرده است (Google Scholar, 2025). اندیشه‌های گانتر در بستر تحولات عمیق نظام آموزشی بریتانیا شکل گرفته است. دهه‌های پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم با گسترش سیاست‌های نئولیبرالی، خصوصی‌سازی، استانداردسازی گسترده، نظام‌های پاسخ‌گویی مبتنی بر عملکرد و رتبه‌بندی مدارس همراه بود. دولت بریتانیا (به‌ویژه در دوران نئولیبرالی و پس از آن) با تأکید بر رقابت، ارزیابی عملکرد کمی، گزارش‌دهی مداوم و نتایج آزمون‌های ملی، الگوی جدیدی از حکمرانی آموزشی را پیاده کرد که مدارس را به نهادهایی شبه‌اقتصادی تبدیل کرد (گانتر، ۲۰۱۲؛گانتر و فارستر[3]، ۲۰۰۸). این سیاست‌ها فشار بی‌سابقه‌ای بر مدیران، معلمان و دانش‌آموزان وارد کرد و فضای تربیتی مدارس را تحت‌الشعاع شاخص‌های کمی و رقابت قرار داد. در چنین شرایطی، بسیاری از پژوهشگران به بهینه‌سازی مدیریت و جستجوی «مدل‌های اثربخش» پرداختند، اما گانتر مسیر متفاوتی را برگزید. او به‌جای تمرکز بر کارایی و بهبود عملکرد، به بررسی پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی این تحولات پرداخت و رهبری آموزشی را به مثابه پدیده‌ای سیاسی و معرفت‌شناختی تحلیل کرد (گانتر، ۲۰۱۶).مسیر حرفه‌ای گانتر از دهه ۱۹۹۰ با پژوهش در حوزه سیاست آموزشی بریتانیا آغاز شد و به‌تدریج به یکی از پیشگامان مطالعات انتقادی رهبری تبدیل گردید. او در دانشگاه‌های معتبر بریتانیا، به‌ویژه دانشگاه منچستر، به تدریس و هدایت پروژه‌های پژوهشی در زمینه سیاست‌گذاری آموزشی، رهبری انتقادی و عدالت آموزشی پرداخت. ویژگی برجسته مسیر علمی گانتر، پیوند مستمر میان پژوهش نظری و تحلیل سیاست‌های واقعی است. برخلاف بسیاری از پژوهشگران که

[1] Fellow of the Academy of Social Sciences
[2] British Educational Leadership, Management and Administration Society
[3] Gunter & Forrester

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

به مدل‌سازی‌های انتزاعی یا مطالعات کمی محدود بسنده می‌کنند، گانتر همواره نظریه را با زمینه‌های تاریخی، نهادی و سیاسی پیوند می‌دهد. این رویکرد میان‌رشته‌ای (ترکیب فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی دانش و تحلیل سیاست) موجب شده است که آثار او هم در محافل دانشگاهی و هم در عرصه سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد (مک‌کی و همکاران، ۲۰۲۳؛ گانتر، ۲۰۲۳). تجربه زیسته گانتر در این بستر تحولات نئولیبرال بریتانیا نقش مهمی در شکل‌گیری رویکرد انتقادی او داشت. او شاهد بود که چگونه گفتمان‌های مسلط «رهبری اثربخش» و «مدیریت عملکرد» عملاً ابزارهایی برای تثبیت نظم موجود و مشروعیت‌بخشی به نابرابری‌های ساختاری شدند. این تجربه او را به سمت تحلیل عمیق‌تر «سیاست دانش تولیدشده[1]» سوق داد؛ مفهومی که نشان می‌دهد دانش رهبری آموزشی توسط چه کسانی، به چه منظوری و در چه بستری تولید می‌شود و اغلب به نفع حفظ وضع موجود عمل می‌کند (گانتر، ۲۰۱۶). این نگاه انتقادی، گانتر را از جریان اصلی پژوهش‌های رهبری (که عمدتاً بر بهینه‌سازی و مدل‌سازی متمرکز بود) متمایز کرد و او را به یکی از صدای‌های تأثیرگذار در نقد نئولیبرالیسم در آموزش تبدیل نمود.در سال ۲۰۲۳، انتشار مجموعه مقالات تقدیمی[2] () به افتخار او با عنوان Critical Education Policy and Leadership Studies: The Intellectual Contributions of Helen M. Gunter نشان‌دهنده عمق و پایداری تأثیر او بر نسل جدید پژوهشگران است (مک‌کی و همکاران، ۲۰۲۳). این مجموعه نه تنها به مرور آثار کلیدی گانتر می‌پردازد، بلکه نشان می‌دهد چگونه ایده‌های او همچنان در مواجهه با چالش‌های جدید (مانند دیجیتال‌سازی آموزش، هوش مصنوعی در مدیریت آموزشی و بحران عدالت پساکرونا) راهگشا باقی مانده است.به طور خلاصه، مسیر علمی گانتر از یک پژوهشگر سیاست آموزشی به یک نظریه‌پرداز انتقادی برجسته، بازتابی از تعهد او به پرسش‌گری بنیادی از ساختارهای قدرت و دانش در آموزش است. این مسیر نه تنها زندگی علمی او را شکل داده، بلکه چارچوبی مفهومی قدرتمند برای تحلیل نظام‌های آموزشی در سراسر جهان – از جمله ایران – فراهم آورده است.

سیر تحول فکری هلن ام. گانتر

تحول فکری هلن ام. گانتر را می‌توان به‌عنوان یک مسیر پویا و چندمرحله‌ای از نقد عملیاتی و نهادی به تحلیل عمیق معرفت‌شناختی، سیاسی و فلسفی رهبری آموزشی توصیف کرد. این سیر فکری نه تنها بازتاب تجربه زیسته او در بستر تحولات نئولیبرال آموزش بریتانیا است، بلکه نشان‌دهنده گذار تدریجی از تمرکز بر «چگونه مدیریت کنیم» به پرسش‌های بنیادین «دانش رهبری چگونه تولید می‌شود؟»، «قدرت در چه جهتی عمل می‌کند؟» و «رهبری آموزشی چه نقشی در بازتولید یا مقاومت در برابر نابرابری دارد؟» دارد (Guگانتر، ۲۰۱۶؛ مک‌کی و همکاران، ۲۰۲۳).برای درک دقیق‌تر این تحول، می‌توان آن را در سه دوره اصلی دسته‌بندی کرد:

[1] politics of knowledge production
[2] Festschrift

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

جدول ۱: سیر تحول فکری هلن ام. گانتر

دوره زمانی	عنوان دوره	ویژگی اصلی دوره	آثار کلیدی و مفاهیم برجسته	تحول کلیدی و دستاورد اصلی
دهه ۱۹۹۰ تا اوایل ۲۰۰۰	شکل‌گیری انتقادی	نقد سیاست‌های عملیاتی و نهادی در دوران New Labour؛ تمرکز بر ساختارهای قدرت و گفتمان‌های مدیریتی	Leaders and Leadership in Education (2001); مقالات در نقد عملکردگرایی اولیه (Gunter & Forrester, 2008)	گذار از مدیریت فنی به تحلیل سیاسی و نهادی؛ معرفی رهبری به‌عنوان پدیده‌ای قدرت‌محور
۲۰۱۰–۲۰۱۸	بلوغ نظری و ورود فلسفه انتقادی	تلفیق فلسفه سیاسی (آرنت، فوکو) با تحلیل تاریخی دانش رهبری؛ گذار به معرفت‌شناسی انتقادی	Educational Leadership and Hannah Arendt (2014); An Intellectual History of School Leadership Practice and Research (2016)	تمرکز بر سیاست دانش تولیدشده و تاریخ فکری رهبری؛ نقد عمیق‌تر نئولیبرالیسم و عملکردگرایی
۲۰۱۹–۲۰۲۶	تثبیت و گسترش رهبری انتقادی	توسعه چارچوب منسجم انتقادی؛ تأکید بر عدالت، تنوع و مقاومت در برابر گفتمان‌های مسلط	مجموعه مقالات تقدیمی (۲۰۲۳)؛ مقالات اخیر در نقد نئولیبرالیسم و عدالت آموزشی(Gunter, 2023)	تثبیت جایگاه جهانی؛ پیشنهاد رویکردهای رهایی‌بخش و پایدار برای رهبری در عصر پسادجیتال

دوره نخست: شکل‌گیری انتقادی (دهه ۱۹۹۰ تا اوایل ۲۰۰۰)

در این دوره، گانتر عمدتاً به بررسی ساختارهای مدیریت آموزشی و نقد محدودیت‌های آن‌ها پرداخت. آثار اولیه او، به‌ویژه در بستر سیاست‌های آموزشی دوران New Labour در بریتانیا، بر تحلیل نهادها، گفتمان‌های مدیریتی و پیامدهای عملکردگرایی متمرکز بود. او نشان داد که چگونه سیاست‌های استانداردسازی و پاسخ‌گویی، رهبری را از نقش تربیتی به نقش اجرایی و کنترلی تقلیل

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

می‌دهد (Gunter, 2001; گانتر، ۲۰۰۱؛ Forrester, 2008 & Gunter; گانتر و فارستر، ۲۰۰۸). این دوره پایه‌ای برای گرایش انتقادی او به تحلیل قدرت و نهادها فراهم کرد و رهبری آموزشی را به‌عنوان پدیده‌ای نهادی و سیاسی معرفی نمود.

دوره دوم: بلوغ نظری و ورود فلسفه انتقادی (۲۰۱۰–۲۰۱۸)

در این مرحله، تأثیر اندیشه‌های فلسفی بر آثار گانتر به‌طور چشمگیری افزایش یافت. بهره‌گیری از آرای هانا آرنت (مفهوم «عمل» و «فضای عمومی») و میشل فوکو (قدرت/دانش) برجسته شد و گانتر به تحلیل معرفت‌شناختی و تاریخی دانش رهبری روی آورد. کتاب‌های کلیدی این دوره عبارت‌اند از Educational Leadership and Hannah Arendt (۲۰۱۴) که رهبری را به‌عنوان کنشی مسئولانه و گفت‌وگومحور بازتعریف می‌کند، و An Intellectual History of School Leadership Practice and Research (۲۰۱۶) که تاریخ فکری رهبری آموزشی را نقد می‌کند و نشان می‌دهد چگونه دانش رهبری تحت تأثیر ایدئولوژی نئولیبرال شکل گرفته است (Gunter, 2014; گانتر، ۲۰۱۴؛ Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶). این دوره نشان‌دهنده گذار عمیق از نقد عملیاتی به تحلیل ساختاری و فلسفی است.

دوره سوم: تثبیت و گسترش رهبری انتقادی (۲۰۱۹–۲۰۲۶)

در این دوره، گانتر به توسعه چارچوب منسجم و پایدار رهبری انتقادی پرداخت. آثار این دوره تلفیقی از تحلیل فلسفی، جامعه‌شناختی و سیاست‌پژوهی است و جایگاه او را در سطح بین‌المللی تثبیت کرده است. مجموعه مقالات تقدیمی به افتخار او در سال ۲۰۲۳ (Critical Education Policy and Leadership Studies) و مقالات اخیرش بر عدالت آموزشی، تنوع فرهنگی و مقاومت در برابر گفتمان‌های مسلط نئولیبرال تأکید دارند (McKay et al., 2023; مک‌کی و همکاران، ۲۰۲۳؛ Gunter, 2023; گانتر، ۲۰۲۳). این دوره نشان‌دهنده بلوغ فکری گانتر است که رهبری را به‌عنوان کنشی رهایی‌بخش و زمینه‌مند در برابر سلطه و نابرابری پیشنهاد می‌کند.این سیر تحول فکری، نه تنها مسیر شخصی گانتر را نشان می‌دهد، بلکه بازتابی از نیاز جامعه علمی به بازاندیشی عمیق در رهبری آموزشی در مواجهه با چالش‌های جهانی نئولیبرالیسم، دیجیتال‌سازی و بحران عدالت است

تحلیل انتقادی اندیشه گانتر

اندیشه هلن ام. گانتر در هسته خود یک پروژه انتقادی عمیق است که رهبری آموزشی را از یک فرایند فنی و سازمانی به کنشی سیاسی، معرفت‌شناختی و اخلاقی بازتعریف می‌کند. او با اتکا به شبکه‌ای غنی از تأثیرات فلسفی و نظری، گفتمان‌های مسلط مدیریت آموزشی را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیم رایج رهبری – از «اثربخشی» و «کیفیت» گرفته تا

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

«بهبود عملکرد» – در واقع ابزارهایی برای تثبیت نظم موجود، بازتولید نابرابری و محدودسازی عاملیت انسانی هستند (Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶؛ Gunter, 2023; گانتر، ۲۰۲۳).

شبکه تأثیرات فلسفی و نظری گانتر

اندیشه گانتر متأثر از سنت نظریه انتقادی (critical theory) و جامعه‌شناسی سیاسی است و شبکه‌ای چندلایه از متفکران را در خود جای داده است. افزون بر هانا آرنت[1] و میشل فوکو [2]، آرای پیر بوردیو[3] و تئودور و. آدورنو[4] نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری چارچوب تحلیلی او داشته‌اند (گانتر، ۲۰۱۶؛ مک‌کی و همکاران، ۲۰۲۳).

- از هانا آرنت، مفهوم «عمل» (action) و «فضای عمومی» (public space) را اقتباس کرده است. گانتر رهبری آموزشی را باید بسترساز فضایی عمومی در مدرسه بداند؛ جایی که گفت‌وگو، تفاوت و مسئولیت‌پذیری جمعی شکل می‌گیرد، نه صرفاً اجرای سیاست‌های بالادستی (Gunter, 2014; گانتر، ۲۰۱۴).
- از میشل فوکو، تحلیل گفتمان و سازوکارهای قدرت/دانش را به کار برده است. او نشان می‌دهد که دانش رهبری آموزشی خود یک سازوکار قدرت است که توسط نهادهای حاکم (دولت، شرکت‌های مشاوره‌ای، دانشگاه‌های نخبه) تولید می‌شود تا نظم موجود را مشروع و پایدار سازد (Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶).
- از پیر بوردیو، مفهوم سرمایه فرهنگی (cultural capital) و بازتولید نابرابری اجتماعی را اقتباس کرده است. گانتر استدلال می‌کند که گفتمان‌های مسلط رهبری آموزشی اغلب به بازتولید نابرابری‌های طبقاتی، جنسیتی و منطقه‌ای کمک می‌کنند (Gunter, 2012; گانتر، ۲۰۱۲).
- از تئودور و. آدورنو، نقد عقلانیت ابزاری (instrumental reason) و صنعت فرهنگ را الهام گرفته است. او مدیریت‌گرایی و تکنوکراسی در آموزش را به مثابه شکل‌های مدرن عقلانیت ابزاری می‌بیند که معنای تربیتی و انسانی آموزش را تهی می‌کنند (Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶).

این شبکه نظری به گانتر امکان داده است تا رهبری آموزشی را در سطحی فراتر از مدیریت سازمانی تحلیل کند و آن را به میدان تحلیل قدرت، ایدئولوژی، استیلا و بازتولید اجتماعی بکشاند.

[1] Hannah Arendt
[2] Michel Foucault
[3] Pierre Bourdieu
[4] Theodor W. Adorno

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

نقد مدیریت‌گرایی (Managerialism)

گانتر مدیریت‌گرایی را یکی از مهم‌ترین تهدیدهای آموزش معاصر می‌داند. از نظر او، تبدیل مدارس به واحدهای تولیدی و مدارس به کارخانه‌های تولید خروجی‌های قابل اندازه‌گیری، موجب تهی‌شدن معنای تربیتی آموزش می‌شود (Gunter, 2012; گانتر، ۲۰۱۲). او استدلال می‌کند که گفتمان‌های مسلط «مدیریت عملکرد»، «بهبود کیفیت» و «رهبری اثربخش» عملاً مدارس را به سازمان‌هایی شبه‌اقتصادی تبدیل کرده‌اند که هدف اصلی‌شان نه پرورش انسان، بلکه تولید شاخص‌های کمی و رتبه‌بندی است. این فرایند، عاملیت حرفه‌ای معلمان و مدیران را محدود می‌کند و آموزش را از ماهیت انسانی و انتقادی‌اش دور می‌سازد (Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶).

نقد سیاست‌زدایی (Depoliticization)

گانتر معتقد است که گفتمان‌های مسلط رهبری آموزشی، آموزش را از ماهیت سیاسی و اجتماعی‌اش تهی کرده‌اند. این سیاست‌زدایی (depoliticization) امکان کنش انتقادی معلمان، دانش‌آموزان و والدین را محدود می‌کند و آموزش را به فرایندهای فنی و خنثی تقلیل می‌دهد (Gunter, 2016گانتر، ۲۰۱۶). او نشان می‌دهد که وقتی رهبری تنها به معنای اجرای سیاست‌های بالادستی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده تعریف شود، فضای گفت‌وگو، مقاومت و تغییر اجتماعی در مدرسه از بین می‌رود. این نقد به‌ویژه در زمینه بحران دموکراسی آموزشی اهمیت دارد؛ جایی که مدارس به جای پرورش شهروندانی فعال و انتقادی، به تولیدکنندگان مطیع و مصرف‌کننده تبدیل می‌شوند (گانتر، ۲۰۱۴).

نقد تکنوکراسی و فناوری در آموزش

از دیدگاه گانتر، فناوری اگر در خدمت کنترل، استانداردسازی و سنجش قرار گیرد، به ابزار سلطه تبدیل می‌شود و عاملیت انسانی را می‌بلعد (گانتر، ۲۰۲۳). او بر ضرورت تحلیل اخلاقی و سیاسی فناوری تأکید دارد و هشدار می‌دهد که استقرار فناوری‌های دیجیتال (مانند سیستم‌های مدیریت عملکرد، نظارت هوشمند و هوش مصنوعی در ارزیابی) بدون بازاندیشی انتقادی، می‌تواند اشکال جدیدی از سلطه و نابرابری را بازتولید کند. گانتر معتقد است که فناوری باید در خدمت کنش انسانی و فضای عمومی قرار گیرد، نه در خدمت کنترل و تکنوکراسی.نتیجه‌گیری بخش تحلیل انتقادیتحلیل انتقادی گانتر نه تنها گفتمان‌های مسلط رهبری آموزشی را به چالش می‌کشد، بلکه پیشنهاد می‌کند که رهبری باید به کنشی رهایی‌بخش، گفت‌وگومحور و زمینه‌مند تبدیل شود. او با بهره‌گیری از شبکه‌ای غنی از تأثیرات فلسفی (آرنت، فوکو، بوردیو، آدورنو)، رهبری را از یک مهارت فنی به یک میدان سیاسی و اخلاقی ارتقا می‌دهد و زمینه را برای بازاندیشی عمیق در نظام‌های آموزشی – از جمله ایران – فراهم می‌آورد

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

دلالت‌های نظری گانتر برای نظام آموزشی ایران

رویکرد انتقادی هلن ام. گانتر، که ریشه در نقد سیاست دانش، عملکردگرایی و ساختارهای قدرت دارد، دلالت‌های نظری و عملی قابل توجهی برای نظام آموزشی ایران به همراه دارد. نظام آموزش‌وپرورش ایران با ویژگی‌های ساختاری همچون تمرکزگرایی اداری گسترده، بوروکراسی پیچیده، ارزیابی کمّی‌محور و نظارت کنترلی شناخته می‌شود (خلخالی، ۱۴۰۳؛ قوره‌جیلی، ۱۴۰۴). این ویژگی‌ها شباهت زیادی به الگوهای مورد نقد گانتر در نظام‌های نئولیبرال غربی دارد؛ جایی که دانش رهبری اغلب توسط نهادهای مرکزی تولید می‌شود و به جای توانمندسازی حرفه‌ای، به ابزاری برای کنترل و استانداردسازی تبدیل می‌گردد (Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶؛ Gunter, 2023; گانتر، ۲۰۲۳).

تمرکز اداری و سیاست دانش تولیدشده

یکی از مهم‌ترین شباهت‌ها میان نقد گانتر و وضعیت ایران، تمرکزگرایی اداری است. در ایران، تصمیم‌گیری‌های اصلی در سطح مرکزی (وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه) انجام می‌شود و مدارس و معلمان اختیار محدودی در سیاست‌گذاری محلی، طراحی برنامه درسی یا مدیریت منابع دارند. این ساختار، مشابه آنچه گانتر در بریتانیا نقد می‌کند، دانش و سیاست‌های رهبری را از بالا به پایین تولید و توزیع می‌کند و امکان تولید دانش محلی و زمینه‌مند توسط مدیران و معلمان را محدود می‌سازد (گانتر، ۲۰۱۶). دلالت نظری گانتر این است که چنین تمرکزگرایی‌ای نه تنها عاملیت حرفه‌ای را تضعیف می‌کند، بلکه دانش رهبری را به ابزاری برای تثبیت قدرت مرکزی تبدیل می‌نماید. بومی‌سازی این دیدگاه می‌تواند به معنای بازاندیشی در توزیع واقعی قدرت و افزایش استقلال مدارس در تصمیم‌گیری‌های محلی باشد.

محدودیت عاملیت حرفه‌ای معلمان و مدیران

گانتر تأکید دارد که گفتمان‌های مسلط رهبری (مانند «مدیریت عملکرد» یا «بهبود کیفیت») اغلب عاملیت حرفه‌ای معلمان و مدیران را محدود می‌کنند و آن‌ها را به مجریان سیاست‌های از پیش تعیین‌شده تبدیل می‌کنند (گانتر، ۲۰۱۲؛ گانتر، ۲۰۱۴). در ایران نیز نقش معلمان و مدیران در سیاست‌گذاری مدرسه‌ای بسیار محدود است؛ برنامه درسی، ارزشیابی، ارتقای شغلی و حتی بسیاری از تصمیمات روزمره از سطح مرکزی ابلاغ می‌شود. این وضعیت، مشابه نقد گانتر، به سیاست‌زدایی (depoliticization) آموزش منجر می‌شود؛ جایی که معلمان و مدیران از کنش انتقادی، خلاقیت و مسئولیت اخلاقی محروم می‌مانند. دلالت نظری گانتر این است که رهبری آموزشی باید بسترساز «فضای عمومی» (با الهام از آرنت) باشد؛ فضایی که در آن معلمان و مدیران بتوانند در گفت‌وگو، تصمیم‌گیری و بازاندیشی مشارکت فعال داشته باشند. در ایران، این دلالت می‌تواند به معنای تقویت شوراهای مدرسه، افزایش مشارکت حرفه‌ای معلمان در برنامه‌ریزی و کاهش نظارت کنترلی باشد.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

غلبه رویکرد کنترلی و ارزیابی کمّی‌محورنظام

نظارت و ارزشیابی در ایران عمدتاً بر کنترل و شاخص‌های کمی تمرکز دارد؛ از ارزیابی عملکرد معلمان و مدیران تا رتبه‌بندی مدارس و آزمون‌های سراسری. این رویکرد شباهت زیادی به عملکردگرایی (performativity) مورد نقد گانتر دارد که رهبری را به دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده تقلیل می‌دهد و فضای تربیتی را تحت‌الشعاع رتبه‌بندی و رقابت قرار می‌دهد (Gunter, 2012; گانتر، ۲۰۱۲؛ Gunter, 2016; گانتر، ۲۰۱۶). دلالت نظری گانتر این است که چنین رویکردی نه تنها معنای تربیتی آموزش را تهی می‌کند، بلکه امکان کنش انتقادی و خلاقیت حرفه‌ای را سرکوب می‌نماید. بومی‌سازی این نقد می‌تواند به اصلاح نظام ارزیابی از کنترل‌گرا به توانمندساز، از کمّی‌محور به کیفی‌محور و از بالا به پایین به مشارکتی منجر شود.

دلالت‌های کلی و راهکارهای عملی

رویکرد گانتر دلالت‌های زیر را برای نظام آموزشی ایران پیشنهاد می‌کند:بازاندیشی در سیاست دانش: بررسی اینکه دانش رهبری (مانند سند تحول بنیادین، آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای) توسط چه کسانی و به چه منظوری تولید می‌شود و چگونه می‌توان دانش محلی و زمینه‌مند را تقویت کرد.

تقویت فضای عمومی در مدارس: ایجاد فضاهای گفت‌وگو، مشارکت و مسئولیت‌پذیری جمعی (شوراهای مدرسه، جلسات حرفه‌ای معلمان، مشارکت والدین) برای مقابله با سیاست‌زدایی.

کاهش تمرکزگرایی و افزایش استقلال: واگذاری اختیارات واقعی به مدارس در برنامه‌ریزی محلی، مدیریت منابع و ارزشیابی.

اصلاح نظام ارزیابی: گذار از ارزیابی کنترلی به ارزیابی توسعه‌دهنده که بر عاملیت حرفه‌ای، خلاقیت و عدالت تمرکز دارد.

تقویت عدالت آموزشی: استفاده از لنز انتقادی گانتر برای تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای، جنسیتی و طبقاتی در توزیع منابع و فرصت‌ها.

این دلالت‌ها نشان می‌دهد که رویکرد گانتر نه تنها یک نقد نظری، بلکه دعوتی عملی برای بازسازی رهبری آموزشی در ایران به سمت عدالت‌محوری، مشارکت و رهایی است.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

نتیجه گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر نشان داد که زندگی علمی و سیر تحول فکری هلن ام. گانتر بازتابی آگاهانه و عمیق از واکنش انتقادی به محدودیت‌های بنیادین رویکردهای فنی و مدیریتی در رهبری آموزشی است. گانتر، با عبور از چارچوب‌های متعارف مدیریت عملکرد و بهینه‌سازی سازمانی، رهبری را از یک نقش اجرایی-کنترلی به کنشی سیاسی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی ارتقا داد. او با تلفیق فلسفه سیاسی انتقادی (به‌ویژه آرای هانا آرنت، میشل فوکو، پیر بوردیو و تئودور آدورنو) و تحلیل دقیق سیاست‌های آموزشی، نشان داد که دانش رهبری آموزشی اغلب توسط نهادهای قدرت تولید می‌شود و به جای خدمت به یادگیری و عدالت، به ابزاری برای تثبیت نظم موجود، بازتولید نابرابری و محدودسازی عاملیت انسانی تبدیل می‌گردد. تحول فکری گانتر — از نقد عملیاتی سیاست‌های نئولیبرال بریتانیا در دهه‌های ۱۹۹۰—۲۰۰۰ تا توسعه چارچوب منسجم رهبری انتقادی در دهه ۲۰۲۰ — نه تنها یک مسیر شخصی، بلکه پاسخی به بحران‌های جهانی آموزش است: بحران سیاست‌زدایی، بحران عملکردگرایی، بحران تکنوکراسی و بحران عدالت. او با تأکید بر «فضای عمومی» آرنتی، «قدرت/دانش» فوکویی و «بازتولید نابرابری» بوردیویی، رهبری آموزشی را به دعوتی برای بازاندیشی سیاسی، مقاومت در برابر سلطه و بازسازی روابط انسانی در مدرسه تبدیل کرد.در نظام آموزشی ایران نیز، این رویکرد راهگشاست. تمرکزگرایی اداری گسترده، ارزیابی‌های کمّی‌محور، محدودیت عاملیت حرفه‌ای معلمان و مدیران، و غلبه رویکرد کنترلی، شباهت‌های ساختاری با آنچه گانتر نقد می‌کند دارد. دیدگاه گانتر می‌تواند به‌عنوان لنزی انتقادی عمل کند که ساختارهای قدرت پنهان در سیاست‌گذاری آموزشی، تولید دانش مرکزی و نظارت بوروکراتیک را آشکار سازد و زمینه‌ساز بازتعریف رهبری آموزشی به سمت عدالت‌محوری، مشارکت حرفه‌ای و تقویت فضای عمومی در مدارس شود. این بازتعریف نه تنها به بهبود کیفیت آموزش کمک می‌کند، بلکه آموزش را به امر انسانی، انتقادی و رهایی‌بخش بازمی‌گرداند.

با توجه به یافته‌های پژوهش و دلالت‌های نظری گانتر، پیشنهادهای زیر برای سیاست‌گذاری، پژوهش و عمل آموزشی در ایران ارائه می‌شود:

- طراحی و اجرای دوره‌های آموزش رهبری انتقادی: برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران و معلمان باید از رویکردهای فنی و عملکردگرا به سمت آموزش رهبری انتقادی حرکت کنند. این دوره‌ها می‌توانند شامل مطالعه آثار گانتر، آرنت و فوکو، تحلیل گفتمان سیاست‌های آموزشی ایران و تمرین بازاندیشی انتقادی در مسائل واقعی مدارس باشند.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

- افزایش استقلال مدارس و کاهش تمرکزگرایی اداری: واگذاری اختیارات واقعی به مدارس در برنامه‌ریزی محلی، مدیریت منابع، طراحی فعالیت‌های فوق‌برنامه و ارزشیابی، به‌منظور تقویت فضای عمومی و عاملیت حرفه‌ای معلمان و مدیران.
- اصلاح نظام ارزیابی و رتبه‌بندی مدیران و معلمان: گذار از ارزیابی کمّی‌محور و کنترلی به ارزیابی توسعه‌دهنده که بر خلاقیت، مشارکت، عدالت آموزشی و مسئولیت اخلاقی تمرکز دارد و از شاخص‌های عملکردگرا به شاخص‌های کیفی و زمینه‌مند حرکت کند.
- تقویت مشارکت حرفه‌ای معلمان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری: ایجاد سازوکارهای ساختاری (شوراهای حرفه‌ای مدرسه، جلسات مشورتی منظم، گروه‌های یادگیری مشارکتی) برای افزایش صدای معلمان در فرایندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی.
- حمایت از پژوهش‌های انتقادی بومی در حوزه رهبری آموزشی: تشویق و تأمین مالی پژوهش‌هایی که با الهام از رویکرد گانتر، به تحلیل انتقادی دانش تولیدشده در سیاست‌های آموزشی ایران، ساختارهای قدرت در مدارس، نابرابری‌های منطقه‌ای و جنسیتی، و پیامدهای تمرکزگرایی بپردازند.
- توسعه گفتمان عدالت‌محور در سیاست‌گذاری آموزشی: بازنگری اسناد کلان (مانند سند تحول بنیادین) از منظر انتقادی گانتر برای تقویت بعد عدالت، تنوع فرهنگی و رهایی‌بخشی آموزش.

این پیشنهادها، با الهام از دعوت گانتر به «بازاندیشی سیاسی آموزش»، می‌توانند به تدریج نظام آموزشی ایران را از رویکردهای فنی-کنترلی به سوی رهبری انتقادی، انسانی و عدالت‌محور هدایت کنند و آموزش را به فضایی برای کنش، گفت‌وگو و تحول اجتماعی تبدیل نمایند.

منابع

Blackmore, J. (2011). Leadership in networks of educational expertise. Educational Management Administration & Leadership, 39(5), 541–558.

Gunter, H. M. (2001). Leaders and leadership in education. SAGE.

Gunter, H. M. (2012). Leadership and the reform of education. Policy Press.

Gunter, H. M. (2014). Educational leadership and Hannah Arendt. Routledge.

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

Gunter, H. M. (2016). An intellectual history of school leadership practice and research. Bloomsbury.

Gunter, H. M., & Forrester, G. (2008). New Labour and school leadership 1997–2007. British Journal of Educational Studies, 56(2), 144–162.

McKay, A., et al. (Eds.). (2023). Critical education policy and leadership studies: The intellectual contributions of Helen M. Gunter. Springer.

Shields, C. M. (2010). Transformative leadership: Working for equity in diverse contexts. Educational Administration Quarterly, 46(4), 558–589.

Shields, C. M. (2010). Transformative leadership: Working for equity in diverse contexts. Educational Administration Quarterly, 46(4), 558–589.

- خلخالی، ع. (۱۴۰۳). دوره‌های فرگشتی در نظریه و عمل رهبری آموزشی. دانش‌پژوهی در رهبری و مدیریت آموزشی, ۱(۱), ۳–۲۶ .

- خلخالی، ع. (۱۴۰۳). دوره‌های فرگشتی در نظریه و عمل رهبری آموزشی. دانش‌پژوهی در رهبری و مدیریت آموزشی, ۱(۱), ۳–۲۶ .

- قوره‌جیلی، س. (۱۴۰۴). نقش هوش مصنوعی در بهبود مدیریت و رهبری آموزشی مدارس. دانش‌پژوهی در رهبری و مدیریت آموزشی.

- قوره‌جیلی، س. (۱۴۰۴). نقش هوش مصنوعی در بهبود مدیریت و رهبری آموزشی مدارس. دانش‌پژوهی در رهبری و مدیریت آموزشی

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]